

Qualitative Study of the Factors Affecting Marital Satisfaction from the Viewpoint of Divorced Women: Comparing the Attitudes of Women Before and After Marriage

Yasser Rezapour Mirsaleh1, Monireh Saghachi Firoozabadi2, Raziye Amini3

Associate Professor Department of Counseling, Faculty of Humanities & Social Science, Ardakan University, Ardakan, Iran

Master of Counseling and Guidance, Education and Training department, Meybod, Iran (corresponding author), Master of family counseling, Faculty of Humanities & Social Science, Ardakan University, Ardakan, Iran aminirazieh@rocketmail.com

ABSTRACT

Received: 09/07/1399 - Accepted: 18/05/1400

Aim: The purpose of the present study was to qualitatively study the factors on marital satisfaction from the viewpoint of divorced women before and after marriage. **Methods:** A qualitative study design based on grounded theory was used. Among the women who referred to the family court of Meybod city and were separated from their husbands, 12 women were selected to participate in the study. The sample size was selected based on theoretical saturation and data was obtained using a semi-structured deep interview. **Findings:** Results show divorced women before their marriage, either had specific and postmodern viewpoint toward marital satisfaction, or had idealistic and superficial viewpoint about marital life considering a minimal number of problems. After divorce, they believed in concrete and specific criteria for achieving marital satisfaction. The factors affecting marital satisfaction from the viewpoints of the participants before their marriage were classified in concepts such as idealism, superficial, attitudinal understanding, non-specific attitude; after divorce these factors were classified in concepts such as behavior and emotion control, personal and family fitness, rational-intellectualism, management of relationships, and accountability. However, before marriage, divorced women believed in logical criteria, which were retained after divorce. **Conclusion:** Based on the results, it can be concluded that change in postmodern, unrealistic, and idealistic ideas about marital satisfaction and the tendency to accept the realities of marital relationship can play an effective role in preventing divorce.

Keywords: Marital satisfaction, marriage, divorce



فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۰، شماره ۷۹، پاییز ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v20i79.7340

بررسی کیفی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی از دیدگاه زنان مطلقه: مقایسه نگرش‌های زنان قبل و بعد ازدواج

یاسر رضاپور میر صالح^۱، منیره سقاچی فیروزآبادی^۲، راضیه امینی^۳

۱. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران

۲. کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، سازمان آموزش و پرورش، میبد، ایران.

۳. نویسنده مسئول) کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

aminirazieh@rocketmail.com

(صفحات ۶-۳)

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف مقایسه کیفی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی از نظر زنان مطلقه، قبل و بعد از فرآیند ازدواج و طلاق آن‌ها انجام شد. **روش:** طرح پژوهش کیفی بود و از نظریه زمینه‌ای برای بررسی زمینه داده‌ها استفاده شد. از بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شهرستان میبد در سال ۱۳۹۸ که از همسر خود جدا شده بودند، به شیوه نمونه‌گیری هدفمند ۱۲ نفر برای شرکت در پژوهش انتخاب شد. حجم نمونه براساس اشباع نظری داده‌های مستخرج از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته انتخاب شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد زنان مطلقه، قبل از ازدواج، یا تعاریف خاص و غیرواقعی نسبت به رضایت زناشویی داشتند و یا یک دید ایده‌آل‌گرایانه و سطحی‌نگر به زندگی زناشویی با کمترین حد وجود مشکلات داشتند، در صورتی که بعد از طلاق به ملاک‌های عینی و مشخصی برای دست یابی به رضایت زناشویی معتقد شده بودند. عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی از نظر زنان شرکت‌کننده در پژوهش قبل از ازدواجشان در قالب مفاهیمی مانند آرمان‌گرایی، سطحی‌نگری، تفاهم‌نگرشی، عدم نگرش خاص طبقه‌بندی شد و این عوامل پس از طلاق در قالب مفاهیمی چون کنترل رفتار و هیجانات، تناسب شخصی و خانوادگی، تفکرگرایی-عقل‌مداری، مدیریت روابط و مسئولیت‌پذیری طقه بندی شد. با این وجود، زنان مطلقه قبل از ازدواج به ملاک‌های منطقی هم معتقد بودند و که ملاک‌ها همچنان بعد از طلاق نیز حفظ شده بود. **نتیجه‌گیری:** براساس نتایج می‌توان گفت تغییر نگرش‌های سطحی، غیرواقعی و ایده‌آل‌گرایانه نسبت به رضایت زناشویی و گرایش به سمت پذیرش واقعیت‌های رابطه زناشویی می‌تواند نقش موثری در پیشگیری از طلاق داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، ازدواج، طلاق

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

مقدمه

با وقوع طلاق وضعیت پیچیده‌ای ایجاد می‌شود که نه تنها بر روی سطوح اجتماعی و اقتصادی، بلکه بر فرایندهای ذهنی زوج‌ها به شدت اثرگذار است. طلاق حتی برای کارآمدترین افراد نیز یک چالش سخت است، زیرا در این جدایی، نه تنها شریک زندگی بلکه هویت خود را به عنوان یک فرد متاهل، همچنین خانه و خانواده خود را از دست داده‌اند (سایمونیک و کلوباگر^۱، ۲۰۱۷). طلاق به ویژه برای زنان فشار روانی و اجتماعی بسیاری به همراه دارد، تنش و فشار ناشی از طلاق با پایان دادن زندگی زناشویی به اتمام نمی‌رسد و گاه تا مدت‌ها آثار آن به جا می‌ماند (واعظی، ۱۳۹۷). به طور مثال افسردگی را رایجترین بحران زنان بعد از متارکه و طلاق می‌دانند (عطارضایی و گرجی، ۱۳۹۸). محققان دریافته‌اند زنانی که مدت طولانی‌تری از ازدواج آنان می‌گذشت هنگام طلاق با بی‌خانمانی، مشکلات مالی و حتی مسائل بهداشتی و روانی دست و پنجه نرم می‌کردند، زیرا جدایی می‌توانست برای آنان شبیه مرگ همسر باشد (تراویا و وب^۲، ۲۰۱۵؛ کارنل^۳، ۲۰۱۹).

یافته‌های بررسی روند طلاق در کشور ما نشان داده که نسبت طلاق به ازدواج در کل در سال ۱۳۸۳، ۲۱.۱۰ بوده که طی یک روند افزایشی در سال ۱۳۹۳ به ۵۸.۲۲ رسید و بر اساس الگوهای سنی و جنسی در سال ۱۳۹۳، زنان ۲۰ تا ۳۵ ساله و مردان ۲۵ تا ۴۰ ساله در معرض خطر بیشتری برای طلاق بودند (ملتفت، شهپری، محبی میمنندی و هاشمی، ۱۳۹۹). طلاق پدیده‌ای گسترده و همه‌جانبه است؛ عوامل زیادی در افزایش آمار طلاق (مانند نبود آگاهی کافی در رابطه ازدواج، نبود شناخت ویژگی‌های زن و مردی، عدم تناسب و انتخاب درست همسر و سایر عوامل دیگر) دخیل هستند (فرحبخش، خاکی و معتمدی، ۱۳۹۶)، اما رضایت زناشویی نیز عامل بسیار مهمی است که نقشی اساسی در

1. Simonič, B., & Klobučar, N. R.
2. Travia, B., & Webb, E.
3. Cornell, M. K.

موفقیت یا عدم موفقیت زندگی مشترک ایفا می‌کند.

رضایت زناشویی ارزیابی کلی و نگرش فرد نسبت به ازدواج خود است و برای ارزیابی سعادت و ثبات زناشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد (آبرئو-آفونسو، راموس، کی روش-گارسیا^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). رضایت زناشویی با چندین عامل مثل مدت زمان ازدواج، ارتباطات، دلبستگی، درگیری و فرزندان مرتبط است (کینگ^۲، ۲۰۱۶). محققان بیان داشتند زوج‌های دارای رضایت زناشویی بیشتر الگوهای ارتباطی سازنده و رفتارهای مثبت ارتباطی نشان می‌دهند و می‌خواهند از رفتارهای منفی جلوگیری کنند، در حالی که زوج‌های ناراضی بیشتر سبک‌های تخریبی ارتباطی را اتخاذ می‌کنند که اغلب منجر به ایجاد اختلاف و مسائل لاینحل می‌شود (برتونی و بودمن^۳، ۲۰۱۰). دو دسته از عوامل، نارضایتی زناشویی را رقم می‌زنند شامل عوامل قبل از ازدواج شامل ازدواج با انگیزه نامناسب و ازدواج اجباری و عوامل بعد از ازدواج شامل تعارض با خانواده همسر، حضور اندک شوهر در منزل و تداوم معاشرت‌های مجردی، تعارض بر سر نگرش‌های نقش جنسیتی، خشونت زناشویی، خیانت، بدگمانی و مشکلات مالی است (محسن زاده، نظری و عارفی، ۱۳۹۰).

رضایت زناشویی تجربه‌ای شخصی در ازدواج است و به انتظارات و باورهای افراد نیز وابسته است (کاپلان و مدوکس^۴، ۲۰۰۲). نگرش به ازدواج می‌تواند همزمان مثبت و منفی و یا شامل انتظارات واقع‌بینانه یا غیرواقع‌بینانه افراد درباره ازدواج باشد. به این معنا، که افراد ممکن است برخی از جنبه‌های ازدواج خود را به عنوان مطلوب و برخی دیگر را بعنوان نامطلوب در نظر بگیرند (استافورد، دیوید و مک فرسون^۵، ۲۰۱۴). تحقیقات در مورد باورهای زناشویی شامل انواع مختلفی از ساختارها و ابعاد است (ویلوبی^۶، ۲۰۱۰) و

1. Abreu-Afonso, J., Ramos, M. M., Queiroz-Garcia, I., & Leal, I.
2. King, M. E.
3. Bertoni, A., & Bodenmann, G.
4. Kaplan, M., & Maddux, J. E.
5. Stafford, L., David, P., & McPherson, S.
6. Willoughby, B.

برخی پژوهش‌های انجام شده بر روی درک نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهایی که افراد (مخصوصاً جوانان، افراد متاهل) در مورد تغییرات زناشویی و روابط و اینکه چگونه این باورها ممکن است رفتارهای فردی و رابطه‌ای را تغییر دهند (ویلیوبی و دورکین^۱، ۲۰۰۹) متمرکز شده‌اند. نگرش مثبت یا منفی افراد، جهت‌گیری شخصیشان را در مورد ازدواج نشان می‌دهد و این جهت‌گیری به شرایط خاصشان در طول زندگی، بستگی دارد (ویلیوبی، هال و لوجاک^۲، ۲۰۱۵). محققان بیان می‌کنند هر کدام از جوانان می‌توانند یکسری نگرش‌ها و افق‌هایی درباره ازدواج داشته باشند، که شامل مجموعه‌ای از باورها در مورد زمان بندی و زمینه ازدواج آنهاست. انتظارات در مورد زمینه زناشویی شامل تعدادی از عوامل، از قبیل معیارهای آموزشی، مالی، فرهنگی یا تجربی است (کارول، بادجر، ویلیوبی^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). جوانان اغلب امیدهای زیادی به آینده خود دارند اما احتمالاً از همان اوایل نیز انتظار ندارند که زندگی آنها بی نقص باشد (اندرسون^۴، ۲۰۱۶). کسانی که شاهد بی‌ثباتی یا طلاق در خانواده خود بوده‌اند، در مورد امکان وقوع طلاق فکر می‌کنند و حتی کسانی که از نزدیک شاهد طلاق یا انحلال نبوده‌اند این امکان را می‌دهند که برنامه‌های آنها ممکن است طبق انتظاراتشان پیش نرود (آرچوو و پورتل^۵، ۲۰۱۸). نگرش و باورهای زوج‌ها از لحاظ هستی‌شناسی نقش مهمی در روابط زناشویی آنها دارد و بسته به نوع هستی‌شناسی، نگرش‌ها، رفتارها، تعاملات و ارتباطات در هر فردی به سمت خاصی شکل می‌گیرد (دلاور، غلامزاده جفره و فرح بخش، ۱۳۹۶). نگرش جوانان درباره ازدواج، رفتار آنان را پیش بینی می‌کند (آرچوو و کامپ دوش^۶، ۲۰۱۷؛ ویلیوبی، ۲۰۱۴). بنابراین شاید تعجب آور نباشد که حتی جوانان مجرد نیز ممکن است به خاطر تصورات و نگرش‌های اشتباه، سبب ساز نارضایتی شده و ازدواج آینده

1. Willoughby, B., & Dworkin, J. D.

2. Willoughby, B., Hall, S. S., & Luczak, H. P.

3. Carroll, J. S., Badger, S., Willoughby, B., Nelson, L. J., Madsen, S., & Barry, C. M.

4. Anderson, L. R.

5. Arocho, R., & Purtell, K.

6. Arocho, R., & Kamp Dush, C. M.

خود را در معرض خطر طلاق قرار دهند (آرچو و پورتل، ۲۰۱۸).

مطالعات اهمیت نگرش جوانان را در انتخاب همسر و تعیین رفتار زناشویی نشان داده است (آرچو، ۲۰۱۹؛ ویلوبی، هال و لوچاک، ۲۰۱۵). انتظارات غیرواقعی بینانه با کاهش رضایت زناشویی ممکن است منجر به از هم پاشیدگی زندگی زناشویی و طلاق شود (آقامحمدی، خانزاده، شهرام فروبیدقی، ۱۳۹۷؛ چرکز^۱، ۲۰۱۷). به طور مثال برخی افراد انتظار دارند تعاملات زناشویی همیشه مثبت باشد و ازدواج یک رابطه کامل باشد. این انتظارات غیرواقعی در مورد روند زناشویی ممکن است به شکل بالقوه تأثیر منفی بر روی افراد داشته باشد و احتمالاً منجر به ناامیدی و نارضایتی پس از ازدواج شود (هوستون، کاگلین، هاتس^۲ و همکاران، ۲۰۰۱).

انتظارات و نگرش‌های افراد درباره ازدواج می‌تواند با توجه به نقش‌های جنسیتی متفاوت باشد. اگرچه شواهد نشان می‌دهد نگرش پیرامون ازدواج در میان زنان با توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت است (لمیدی^۳، ۲۰۱۵). اما نتایج پژوهش نیلفروشان، نویدیان و عابدی (۱۳۹۲) نیز نشان داد که بین نگرش به ازدواج در دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد و دختران نگرش منفی‌تری نسبت به پسران داشتند. پژوهش دیگری نشان داد در تمام مؤلفه‌های رضایت زناشویی، بین انتظارات افراد از رابطه زناشویی و واقعیت در حال تجربه زندگی زناشویی با میزان رضایت زناشویی همبستگی منفی و معناداری داشت، که در زنان فاصله‌ی بین انتظارات از رابطه‌ی زناشویی و واقعیت در حال تجربه زندگی زناشویی در مؤلفه‌های خود ابرازگری، محبت، رابطه ایمن، ارتباط، حل تعارض به طور معناداری بیشتر از مردان بود (موسوی و دهشیری، ۱۳۹۴).

واضح است که در جهت تأمین سلامت خانواده و رضایت از زندگی زناشویی، نحوه‌ی

1. Çerkez, Y.

2. Huston, T. L., Caughlin, J. P., Houts, R. M., Smith, S. E., & George, L. J.

3. Lamidi, E.

انتخاب همسر در ازدواج امری بسیار مهم است و موفقیت در انتخاب همسر اولین مرحله در چرخه‌ی زندگی خانوادگی است که موفقیت و رضایت در مراحل بعدی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعدادی از تحقیقات بر این عقیده‌اند که فاکتورها و انتظارات هنگام انتخاب همسر است تا حد زیادی ناپایداری‌ها و نارضایتی‌های زندگی مشترک را توجیه می‌کند (موسوی و دهشیری، ۱۳۹۴؛ آقامحمدی و همکاران، ۱۳۹۷؛ چرکز، ۲۰۱۷). بنابراین انتظارات آرمانی و غیرواقع بینانه‌ی زوج‌ها از ازدواج، رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در ادامه نارضایتی و ناامیدی از زندگی زناشویی پیامدهایی همچون جدایی و طلاق را به دنبال خواهد داشت. شکاف پژوهش‌های گذشته، کمبود یا فقدان یک الگوی مناسب از انتظارات و باورها جهت انتخاب همسر است. اگر پژوهشگران بتوانند انتظارات آرمانی و غیرواقع بینانه و در عین حال انتظارات درست را، به خصوص در افرادی که تجربه‌ی زندگی ناموفقی داشته‌اند با مطالعه عمیق شناسایی کنند، با معرفی ملاک‌های صحیح و اصلاح باورهای نادرست، جامعه می‌تواند در آینده نرخ پایین‌تری از طلاق، افزایش ثبات و رضایت زناشویی را تجربه کند. بررسی نگرش افراد به عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی می‌تواند منجر به شناسایی نگرش‌های نادرست و غیرواقع بینانه در این زمینه شود و به درک عمیق درمانگران برای مقایسه نگرش‌های کارآمد و ناکارآمد کمک کند.

نظر به آنکه پدیده طلاق در جامعه ایرانی نامطلوب تلقی شده و همراه با مشکلات و سختی‌های بسیاری برای افراد به ویژه زنان است، مطالعه حاضر برای پاسخ گویی به این سوال انجام گرفت که برطبق نگرش زنان مطلقه چه عواملی در پیش از ازدواج و بعد از ازدواج بر رضایت زناشویی مؤثر است؟

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی بود که جهت اجرای آن از شیوه نظریه زمینه‌ای استفاده شد. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه زنان مطلقه شهرستان میبد در

سال ۱۳۹۸ بود که با مراجعه دادگاه خانواده این شهرستان از همسر خود جدا شده بودند. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر مانند اکثر مطالعات کیفی با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. در این فرایند ۱۲ نفر برای انجام مصاحبه انتخاب شدند و سن مصاحبه‌شوندگان در محدوده ۵۰-۲۱ سال بود. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: حداقل توانایی شناختی و تحصیلی برای انجام مصاحبه، سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم و گذشت حداقل ۱ سال از مدت طلاق آنان و ملاک خروج نیز داشتن سابقه بیماری روان‌شناختی خاص در فرد یا همسر سابق و ازدواج مجدد بود. حجم نمونه براساس رسیدن به حد اشباع نظری در تحقیقات کیفی انتخاب شد.

برای انجام مصاحبه‌ها ابتدا با مسئولین مراکز مشاوره و دادگاه خانواده برای اجرای پژوهش هماهنگی به عمل آمد. سپس مراجعه کنندگانی که برای شرکت در پژوهش اعلام آمادگی کردند و همچنین دارای شرایط شرکت در پژوهش بودند (مانند سطح تحصیلات و درک مناسب برای پاسخ‌گویی به سؤالات و گشودگی لازم برای برون‌ریزی نگرش زندگی) شناسایی شدند با تعیین وقت قبلی مصاحبه، از آنها مصاحبه به عمل آمد. پس از تشکیل جلسه مصاحبه، ابتدا توضیحاتی درباره پژوهش و اهداف آن به مراجعان ارائه شد و برای جلب همکاری بیشتر آنها، از لحاظ محرمانه ماندن اطلاعاتی که در اختیار ما می‌گذاشتند به آن‌ها اطمینان داده شد. مصاحبه به کاررفته از نوع مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته بوده و تا آنجا ادامه یافت که ۹۵ درصد پاسخ آزمودنی‌ها، تکراری بود. در زمان انجام مصاحبه، گفتگوها توسط ضبط صوت ضبط شدند و سپس برای تحلیل روی کاغذ پیاده شدند. برای تحلیل داده‌ها بعد از ثبت مصاحبه‌ها، از روش تحلیل زمینه‌ای استفاده شد. به این صورت که تمام مصاحبه‌ها بارها مرور شدند و الگوهای مشترک در بین آنها شناسایی و ثبت شد. در سه مرحله کدگذاری باز، انتخابی و محوری کدگذاری‌ها انجام شد و در نهایت الگوی پارادایمی به تفکیک نگرش قبل از ازدواج و نگرش پس از فرایند ازدواج و طلاق، ترسیم شد.

ابزار: برای تعیین عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی قبل و بعد از طلاق از نظر زنان مطلقه، از آنها مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته به عمل آمد. برای انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته بدین صورت عمل شد که ابتدا سؤالاتی را که در برگیرنده رضایت زوج‌ها از جنبه‌های مختلف رضایت از زندگی زناشویی بود (موقعیت تعارض، حل مسئله و موقعیت‌های عمومی) همچنین ملاک‌های ازدواج رضایت‌مندانانه طراحی شد. محور اصلی سؤالات به ترتیب: (۱- قبل از ازدواج چه معیارهایی را برای داشتن یک ازدواج موفق ضروری می‌دانستید؟ ۲- به نظر شما و با توجه به تجربه‌های کسب کرده در زندگی ناموفقتان چه چیزهایی می‌تواند در موفقیت یک رابطه نقش داشته باشد؟ ۳- چه تجربه‌هایی در این زندگی ناموفق به دست آورده‌اید که باعث شد نگرش شما نسبت به یک زندگی زناشویی موفق عوض شود؟) بود. سؤالات فرعی مصاحبه زیرمجموعه سؤالات نامبرده بودند.

روایی محتوایی سؤالات طراحی شده به شکل غیرنظام‌مند توسط ۳ عضو هیئت علمی متخصص در زمینه مشاوره مورد بررسی قرار گرفت. سپس به صورت مقدماتی با ۲ نفر مصاحبه به عمل آمد و با توجه به نظر آزمودنی‌ها در مورد جامع و مانع بودن سؤالات تغییراتی در آنها داده شد. سؤالات به گونه‌ای طراحی شد که بتواند حداکثر نگرش افراد به عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی را فراگیرد. مصاحبه‌ها به دو صورت انجام شد. در شیوه اول، از شرکت‌کنندگان خواسته شد تصور کنند در زمان قبل از ازدواج قرار دارند و نگرشی را که به عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی در آن زمان داشتند، بیان کنند؛ سپس در بخش دوم از آن‌ها خواسته شد نگرش خود را بعد از تجربه ازدواج و طلاق (موقعیت فعلی) نسبت این موضوع، مشخص کنند. در ادامه با توجه به پاسخ شرکت‌کنندگان، سؤالات پیگیری جهت عمق بخشیدن به مصاحبه مطرح شد.

یافته‌ها

سن زنان شرکت‌کننده در پژوهش بین ۲۳ تا ۳۲ سال بود. هفت نفر از آن‌ها فرزندی

نداشتند اما پنج نفر دارای ۱ فرزند بودند. از طلاق تمامی شرکت‌کنندگان بیش از ۱ سال گذشته بود. سطح تحصیلات ۶ نفر از آن‌ها دیپلم، ۵ نفر لیسانس و ۱ نفر کارشناسی ارشد بود.

یافته‌های تحقیق در جدول ۱ و ۲ به تفکیک مفاهیم و کدگذاری‌ها آورده شده است. در تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته با مشارکت‌کنندگان، در مجموع در کدگذاری باز ۲۴ مفهوم، ۱۰ مقوله و ۲ مقوله‌ی هسته‌ی ازدواج غیرمنطقی و ازدواج منطقی استخراج شد. که مقوله‌های به دست آمده بدین ترتیب بود:

آرمان‌گرایی: آرمان‌گرایی یکی از معیارهای مهم پیش از ازدواج در زنان مطلقه بود. افراد با تصورات آرمانی وقتی با زندگی مشترک واقعی و مشکلات آن مواجه شدند نمی‌توانستند به خوبی با واقعیت کنار بیایند. در مصاحبه‌ها آرمان‌گرایی پیش از ازدواج زنان به سه بعد فرعی تقسیم شد:

الف) وضعیت مالی مناسب: توسط بعضی از زنان بیان شد که معیارهای ازدواج و انتخاب همسر را صرفاً وضع مالی ایده‌آل قرار داده بودند و وضعیت مالی و اقتصادی آن‌ها اولویت نخست را برایشان داشت.

جدول ۱. کدگذاری باز عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی در زنان مطلقه در قبل از ازدواج

مقوله	مفاهیم	گزاره‌ها
	فقط تأکید بر وضعیت مالی یا	فکر می‌کردم کسی که پول داشته باشد همه چیز دارد (با پول به همه چیز و همه جامی توان رسید).
آرمان‌گرایی	تحصیلی	فکر می‌کردم تحصیلات می‌تواند معرفت و شعور را در فرد رشد دهد خیلی‌ها هستند که دیپلم دارند ولی آرامش در کنارشان به هزار تا مدرک دکترا داشتن می‌ارزد.
	داشتن آزادی‌های فردی	اینکه می‌خواستم بتوانم هرکاری که می‌خواهم آزادانه انجام دهم بدون اینکه او بخواهد سنگی پیش پایم بیندازد مثل آزادانه به مهمانی‌های مجردی‌ها دوستانم رفتن.
سطحی‌نگری	فقط عاشق بودن	اینکه بتوانم فردی که دوستش دارم را بدست بیاورم و با او محرم شوم برایم کافی بود.

مفهوم	مفاهیم	گزاره‌ها
	زیبایی مطلق	چون خودم زیبا بودم نمی‌خواستم او کمتر از من باشد و می‌خواستم با زیبایی ظاهریش جلوی همه پزیدهم غافل از اینکه سیرت زیبا بهتر از صورت زیباست.
	با ایمان بودن	کسی که ایمان واقعی دارد از نامردی کردن در حق همسرش می‌ترسد.
ارزش‌گرایی	خانواده دوست بودن	کسی که حرمت می‌شناسد و برای پدر و مادرش ارزش قائل است حتماً برای زنش هم حریمی قائل است و او را خواهد ستود.
	گذشت و صبر	چشم پوشی از خطاهای هم و داشتن صبر در درست شدن مشکلات زندگی کمک شایانی به موفقیت در زندگی خواهد کرد
	تشابه مالی خانوادگی	دو خانواده که از لحاظ مالی هم کفو هم باشند یکی نمی‌تواند به علت دارا بودن دیگری را زیر سلطه خود برده و اصطلاحاً توسری خورش کند.
تفاهم نگرشی	شناخت و محبت	قبل از هر چیزی خود شخص مهم است و رفتار و منش فرد است که او را تخمین می‌زند.
	متقابل	وقتی محبت می‌کنی ولی محبت نمی‌بینی بوستان زندگی به گورستانی سرد تبدیل می‌شود که ماندن در آن طاقت فرساست.
عدم نگرش	ازدواج تحمیلی	تمام هدف من در زندگی درس خواندن بود ولی از غرغره‌های مادرم و کنایه‌های فامیل و آشنایان خسته شده بودم و برای فرار از این مهلکه ازدواج کردم

*مقوله هسته: ازدواج غیرمنطقی

ب) تشابه تحصیلی یا داشتن تحصیلات عالی: برخی دیگر صرفاً تشابه تحصیلی را مدنظر داشتند، به نوعی تحصیلات عالی تنها معیار انتخاب بود.

ج) داشتن آزادی‌های فردی: برای برخی دیگر داشتن این انتظار که بتواند هرکاری را آزادانه انجام دهند، مثل آزادانه به گردش یا مهمانی‌های مجردی با دوستان رفتن ملاک بود.

سطحی‌نگری: شرکت‌کنندگان در مصاحبه معیارهایی را نام بردند که می‌توان این معیارها را به عنوان سطحی‌نگری ذکر کرد. همچون زیبایی مطلق، یا صرفاً عشق، در مورد دیگر در نظر گرفتن فقط یک ملاک مثل رفیق باز نبودن، بی‌توجهی به ملاک‌های دیگر هم

نوعی سطحی‌نگری تلقی شد.

از مقوله‌های دیگر سطحی‌نگری عدم نگرش خاص در مورد ازدواج بود: در این نوع ازدواج فرد بدون در نظر گرفتن هیچ معیاری ازدواج و وارد زندگی زناشویی شده بود. مانند ازدواج تحمیلی که در آن یک طرف یا هر دو طرف بدون خواست و رضایت خود ازدواج کردند.

برخی از معیارهای قبل از ازدواج بیان شده توسط مصاحبه‌کنندگان شامل انتظارات منطقی و مناسب بود:

ارزش‌گرایی: با وجود اینکه ارزش‌ها، باورها و معیارهای ازدواج برای هر شخص متفاوت بود، اما ارزش‌هایی وجود داشت که به صورت عمومی و در میان همه فرهنگ‌ها پذیرفته شده بود و با رشد و تغییر افکار و رفتار نیز توجیهی به تغییر آنها وجود نداشت. توجه به این ارزش‌ها برای ازدواج معقول بود. از نظر مصاحبه‌شوندگان ارزش‌گرایی شامل سه مقوله بود:

الف) با ایمان بودن: منظور داشتن ایمان و اعتقادات مذهبی بود. برخی مصاحبه‌کنندگان بیان کردند کسی که خدا را قبول دارد از نامردی کردن در حق زن و زندگی می‌ترسد.

ب) خانواده دوست بودن: داشتن محبت نسبت به خانواده و همسر و فرزند، همچنین رعایت احترام و شأن خانواده خود و همسر برای بعضی از مصاحبه‌شوندگان اهمیت داشت.

ج) گذشت و صبر: برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان از ویژگی‌های مثبت فرد برای زندگی مشترک صبور بودن در برابر مشکلات و داشتن گذشت و بخشش در زندگی را ذکر کردند.

تفاهم‌نگرشی: تفاهم عامل مهمی در پایداری ازدواج و رضایت زناشویی بود. از ملاک‌های تفاهم می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) تشابه مالی: به لحاظ اقتصاد چه میزان درآمد و توانایی مالی خودشان و چه خانواده‌شان تقریباً یکسان باشند؛ مصاحبه‌شوندگان بیان داشتند چنانچه دو خانواده که از لحاظ مالی هم کفو هم باشند یکی نمی‌تواند به علت دارا بودن دیگری را زیر سلطه خود برده و اصطلاحاً توسری خورش کند.

ب) شناخت و محبت متقابل: بعضی از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند بهتر بود برای ازدواج طرفین همدیگر را می‌شناختند و با خصوصیات اخلاقی و رفتاری هم آشنا می‌شدند. آنها بیان داشتند قبل از هر چیزی شناخت خود شخص مهم است. برخی مصاحبه‌شوندگان عنوان داشتند: وقتی محبت می‌کنی ولی محبت نمی‌بینی بوستان زندگی به گورستانی سرد تبدیل می‌شود که ماندن در آن طاقت فرساست. با توجه به این مقوله‌ها می‌توان گفت مقوله هسته در جدول بالا و فرآیند کدگذاری انتخابی، "ازدواج غیرمنطقی" است.

در بخش دوم از آن‌ها خواسته شد نگرش خود را در مورد عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی بعد از اینکه ازدواج کرده و سپس طلاق گرفته بودند، مشخص کنند. در جدول ۲ کدگذاری باز مصاحبه با زنان مطلقه پس از تجربه‌های کسب کرده در زندگی ناموفقشان آورده شده است.

شرکت‌کنندگان در مصاحبه بیان داشتند ارزش‌گرایی (که در جدول ۱ هم توضیح داده شد) برای داشتن یک زندگی همراه با رضایتمندی لازم بود. معیار بیان شده ی دیگر کنترل رفتار و هیجانات بود.

کنترل رفتار و هیجانات: از نظر مصاحبه‌کنندگان توانایی کنترل رفتار و هیجانات در زندگی مشترک شامل موارد زیر بود:

الف) همدلی و درک متقابل: به معنای اینکه هر موضوع را از دریچه‌ی چشم فرد مقابل ببیند و توانایی درک همسر و داشتن همدلی در برابر او.

ب) کنترل خشم و دست بزن نداشتن: به معنای عدم خشونت به شدت یا به کرات و

اینکه نحوه کنترل ابراز خشم فرد به نحوی که مناسب باشد.

ج) نداشتن تعصبات بی جا، عدم قضاوت و پیش داوری: تعصبات بی جا به معنای سلطه جویی عنوان شده بود. این افراد حق انتخاب را به کلی از همسرشان گرفتند و این حق انتخاب را فقط برای خود به رسمیت شناخته و همه تصمیم‌های زیر نظر آن‌ها و به فرمان مستبدانه آن‌ها بود. توسط برخی مصاحبه شوندگان بیان شد که در مسایل زندگی سریع مورد تهاجم و قضاوت قرار می‌گرفتند.

د) عدم خودشیفتگی: توسط مصاحبه شوندگان بیان شد که همسرانشان فقط کارهای خودشان را قبول داشتند و خود را منبع عقل می‌دانستند. فرد خودشیفته غیر قابل انعطاف بوده و توجه، آگاهی و احساس او معطوف به خودش بود و این الگو در تمام ابعاد زندگی و رفتاری فرد جریان داشت.

جدول ۲. کدگذاری باز عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی در زنان مطلقه پس از ازدواج (تشخیص نگرش‌های اشتباه به رابطه زناشویی در نتیجه ورود به زندگی زناشویی)

مقوله	مفاهیم	گزاره
	صداقت و رازداری	از دروغ متنفرم؛ پایه‌های زندگی مرا دروغ متزلزل کرد. اگر حرف یا اختلافی بین زن و شوهر رد و بدل می‌شود، شخص سومی مطلع نشود.
ارزش‌گرایی	تکیه گاه بودن	در همه مراحل زندگی پشت و پناه هم بودن برای پیشبرد اهداف زندگی کمک می‌کند.
	داشتن حسن خلق	نق زدن و بدزبانی هر انسان صبوری را روزی از پا درمی آورد
	همدلی و درک متقابل	اگر من حرمت داری کردم و چیزی نگفتم، در خلوت خودمان اشتباهات اقرار کند و از من او را می‌فهمم، تشکر کند.
کنترل رفتار و هیجانات	دست‌بزن نداشتن	از هرچی مرده به خاطر بزرگی و سنگینی دستانشان می‌ترسم.
	نداشتن تعصب،	هیچ وقت اجازه نداشتم شال بیندازم یا مانتوی رنگی بپوشم.
	و پیش‌داوری عدم	همیشه چون عضو اصلی خانواده همسر نبودم، من مورد تهاجم قرار می‌گرفتم. همسر از کارهای من ایراد می‌گرفت فقط کارهای خودش را قبول داشت.

مقاله	مفاهیم	گزاره
	خودشیفتگی	
	تناسب	دو تا آدم با دو تا فرهنگ متفاوت هیچ وقت نمی‌توانند هم را درک کنند.
تناسب	فرهنگی،	همیشه خانواده‌ای که کمتر دارد توسری خور خواهد بود و باید مطیع و فرمانبردار
شخصی و	اجتماعی	باشد.
خانوادگی	تناسب	زندگی با آدمهایی که رذائل اخلاقی دارند، انسان را به مرز جنون می‌کشاند.
	شخصیتی،	من فردی محجبه بودم و این در حالی بود که همسرم کلا با حجابم مشکل
	اعتقادی	داشت.
تفکرگرایی-	شناخت از	به تعریف‌های مادرش بسنده کردم (ساده لوح بودم). فکر کردم حقیقت را
عقل	یکدیگر	میگویند.
مداری	نداشتن توقعات	می‌گفتند چون تک دختر هستی وظیفه خانواده‌ات هست که فلان کار را برایت
	بی جا	انجام دهند.
	مدیرو مدبر بودن	بتواند بین خانواده و همسرش مدیریت کند و رضایت دوطرف را جلب کند -
مدیریت		همچنین بین کار و زندگی اش تعادل برقرار سازد.
روابط و	مسئولیت پذیری	وقتی متعهد شد که زمام یک زندگی را در دست گیرد، همه جانبه، مردانه
مسئولیت		بایستد.
پذیری	استقلال داشتن	به خودش متکی باشد همانطور که زندگی‌اش جداست خرج و دخلش هم جدا
	(مالی-عاطفی)	باشد و برای هر خرجی احتیاج به پس دادن جواب به دیگران نباشد.

*مقاله هسته: ازدواج منطقی

تناسب شخصی و خانوادگی: تناسب و هم‌شأن بودن زن و مرد در ازدواج بسیار اهمیت داشت. تناسب در ارزش‌های فردی و اجتماعی، رفتار و حتی آداب لباس پوشیدن و غذا خوردن زن و مرد می‌توانست زمینه‌های همدلی بیشتر را بین زوج‌ها پدید آورد. تناسب شخصی و خانوادگی از نظر مصاحبه‌شوندگان شامل موارد زیر بود:

الف) تناسب فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی: تأثیر فرهنگ بر فرد به حدی بود که حتی سلاقی و ذائقه را هم متأثر می‌کرد. فرهنگ و آداب و رسوم شهر و روستا و آداب و رسوم اصناف و طبقات مختلف اجتماع با یکدیگر فرق دارد. برخی از مصاحبه‌شوندگان بیان داشتند که دو نفر با فرهنگ و اخلاقیات متفاوت هیچ وقت نمی‌توانند هم

را درک کنند چون هرکدام به دنبال این هستند که خود را اثبات کنند و دیگری را چون خود سازند. عدم تناسب اقتصادی و اجتماعی بسیاری از مسائل و مشکلات را برای زوج‌ها فراهم می‌کرد. پس منطقی بود که افراد با کسی ازدواج کنند که از نظر طبقه و پایگاه اجتماعی اقتصادی در یک سطح قرار داشتند.

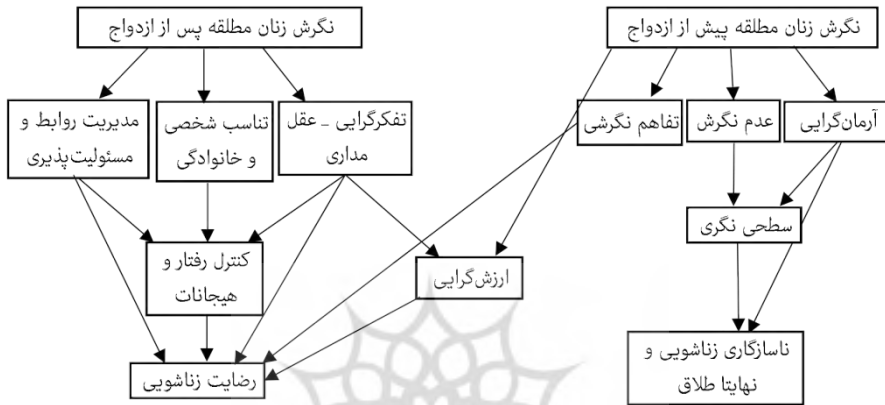
ب) تناسب شخصیتی، تناسب اعتقادی: برخی دیگر از مصاحبه‌کنندگان عنوان کردند زندگی با خانواده‌هایی که دچار رذائل اخلاقی مثل حسادت، کینه، بدخلقی و... هستند انسان را به مرز جنون می‌کشاند. زن و شوهر زمانی که تناسب شخصیتی بیشتری داشتند و تفاوت‌های کم‌تر به درک بیشتری از هم می‌رسیدند. تناسب اعتقادی عامل مهمی بود، چنانچه برخی مصاحبه‌شوندگان عنوان کردند: من یه فرد محجبه بودم و از اینکه در اجتماع خود را در معرض توجه عموم قرار دهم متنفر بودم و این در حالی بود که همسرم کلاً با این مقوله مشکل داشت.

تفکرگرایی- عقل‌مداری: از نظر مصاحبه‌شوندگان ملاک‌های تفکر و عقل‌مداری شامل: شناخت کامل دو طرف از یکدیگر با استفاده از ابزار تحقیق، نداشتن توقعات و خواسته‌های بی‌جا در تمام امور مشترک زندگی بود.

مدیریت روابط و مسئولیت‌پذیری: مسئولیت‌پذیر بودن باعث انجام بهتر و صحیح‌تر کارها و مسائل بود. از موارد ذکر شده در مورد مدیریت روابط و مسئولیت‌پذیری مقوله‌های زیر بودند:

الف) مدیر و مدبر بودن، مسئولیت‌پذیری: منظور شرکت‌کنندگان از مدیریت این بود که فرد بتواند روابط بین خانواده و همسرش مدیریت کند و رضایت دوطرف را جلب کند، همچنین بین کار و زندگی اش تعادل برقرار سازد. در نظر داشتن و توجه به نقش‌ها و مسئولیت‌های هریک از اعضای خانواده و جایگاه آنها در این نهاد و همچنین، توجه به چگونگی روابط آنها با یکدیگر از نکات بسیار مهم مدیریت خانواده برای مصاحبه‌شوندگان به شمار می‌آمد.

ب) استقلال داشتن (مالی-عاطفی): استقلال در اشکال مختلف نمود پیدا می‌کرد. داشتن شغل مناسب و استقلال در آمد از خانواده می‌توانست نشانه‌ی مسئولیت پذیری فرد باشد. برای مصاحبه کنندگان عدم وابستگی شدید عاطفی به خانواده و داشتن استقلال عاطفی اهمیت داشت.



شکل ۱. الگوی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی از نظر زنان مطلقه قبل و بعد از ازدواج

بر اساس معیارهای بیان شده توسط مصاحبه‌شوندگان الگوی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی از نظر شرکت‌کنندگان قبل و بعد از ازدواج شکل ۱، می‌توان گفت، سطحی نگری عامل هسته ازدواج ناموفق بود که علت اصلی آن نداشتن نگرش خاص به ازدواج بود و همچنین آرمان‌گرایی و انتظارات غیرواقع بینانه پیش از ازدواج در آن نقش داشت. پیامد سطحی‌نگری ناسازگاری زناشویی و در نهایت وقوع طلاق بود. همچنین بر اساس معیارهای بیان شده توسط مصاحبه‌شوندگان کنترل رفتار و هیجانات مقوله هسته ذکر شده برای ازدواج موفق بوده که علت اصلی آن تفکرگرایی عقل‌مداری، تناسب شخصیتی و خانوادگی در مورد ازدواج بود و این شرایط در بستر مدیریت روابط و مسئولیت‌پذیری-تطابق خانوادگی به وجود می‌آمد. در نهایت کنترل رفتار و هیجانات می‌توانست افزایش رضایت زناشویی و ازدواج پایدار و موفق را به دنبال داشته باشد. همچنین ارزش

گرایی مقوله‌ای مشترک در هر دو نگرش بود که در رضایت زناشویی نقش داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، به روش کیفی با رویکرد تئوری زمینه‌ای برای بررسی کیفی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی از دیدگاه زنان مطلقه و مقایسه نگرش‌های آنان قبل و بعد از دواج انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد نگرش زنان به عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی در برخی موارد در قبل و بعد از دواج متفاوت است که این یافته با تحقیقات موس و ویلوبی^۱ (۲۰۱۸)، کیمیایی، صالحی و غفوری نسب (۱۳۹۴) و بهشتیان (۱۳۹۵) همسو بود.

شرکت‌کنندگان در مورد عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی در پیش از دواج به چند مقوله اصلی اشاره داشتند. یافته‌های پژوهش نشان داد سه مقوله اصلی آرمان‌گرایی، سطحی‌نگری و عدم نگرش خاص را می‌توان به عنوان نگرش‌های ناکارآمد برای دواج در نظر گرفت. مقوله‌های نامبرده شده نه تنها نقش موثری در شکل‌گیری رضایت زناشویی نداشته بلکه می‌توانست با تحت تأثیر قرار دادن انتخاب همسر، مخرب نیز باشد. تبیین این نتیجه می‌توان بیان داشت افراد آرمان‌گرا مرتب به ایده‌آل‌های خود می‌اندیشند و به دنبال ایده‌آل‌ترین شخص برای دواج می‌گردند. در آرمان‌گرایی وقتی دیدگاه متفاوتی درباره آرمان‌ها و واقعیت بوجود می‌آید، تنش و عدم توافق روی داده و می‌تواند رضایت زناشویی را به شدت کاهش دهد، که این یافته با پژوهش‌های کاظمی (۱۳۸۹)، شهولی و رضایی فر (۱۳۹۰) نیز همسو بود. درباره مقوله عدم نگرش خاص که شامل دواج اجباری بود، محققان نشان دادند که علاوه بر نیروی فیزیکی، فشارهای عاطفی در دواج اجباری نقش دارد (گیل و آنیتا^۲، ۲۰۱۷). پس از دواج تحمیلی زن مجبور است از شوهر تبعیت کند، ممکن است دوستی‌هایش را محدود کند و از فعالیت‌های بیرون از منزل دست

1. Moss, E., & Willoughby, B. J.
2. Gill, A., & Anitha, S.

بکشد. با چنین ازدواجی معمولاً جلوی تحصیل و پیشرفت او گرفته می‌شود و با عواقبی مثل جدایی و یا بیماری‌های روحی-روانی روبه‌رو خواهد شد. این دو مقوله آرمان‌گرایی و نداشتن نگرش خاص می‌توانستند به نوعی سطحی‌نگری نیز باشند. در سطحی‌نگری فرد صرفاً به خاطر توجه به یک ملاک همچون زیبایی مطلق یا ثروت، شیفته طرف مقابل شده و تصمیم‌گیری‌اش در یک فضای احساسی و عاطفی و خارج از منطق انجام می‌گیرد.

در مقابل دو مقوله‌ی ارزش‌گرایی و تفاهم‌انگیزی می‌توانست قابل توجه باشد. ارزش‌گرایی مقوله‌ای مشترک بود که هم در قبل از ازدواج و هم بعد از ازدواج وجود داشت. ارزش‌هایی که توسط مصاحبه‌شوندگان در رضایت زناشویی نقش داشت، با ایمان بودن، خانواده دوست بودن و داشتن گذشت و صبر بود. که با مطالعه انجام شده که مشخص کرد باورهای اعتقادی و جهان بینی الهی از طرق مختلف، ایجاد کننده‌ی آرامش بوده و ایمان به خدا موجب پایبندی همسران به رعایت اخلاق در زندگی زناشویی و ایجاد آرامش بود (روشنی، نائینی و باستانی، ۱۳۹۴) همسب بود. مقوله گذشت و بخشش نیز مدنظر شرکت‌کنندگان بود. بخشش با کیفیت بالای زندگی زناشویی همراه و عدم بخشش با اجتناب از شریک زندگی و انتقام همراه بوده است (استافورد، دیوید و مک پرسون، ۲۰۱۴). از طرف دیگر تفاهم عامل مهمی در پایداری ازدواج و رضایت زناشویی بوده و میزان رضایت از زندگی زناشویی با میزان تفاهم در عشق و علاقه، طول مدت زندگی زناشویی، اختلاف سنی زوج‌ها، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان تحصیلات زوج‌ها رابطه‌ی معنادار دارد (زارع و صفیاری، ۱۳۹۴؛ وانگ، کیم و بوئرنا^۱، ۲۰۱۸). رضایتمندی از یک رابطه زناشویی در گرو وجود تفاهم در انگیزه‌ها و محبت متقابل است، تفاهم و محبتی که شامل میزان نزدیک بودن، سطح دسترسی و پاسخگویی به یکدیگر است. بنابراین چه بیان شد ارزش‌گرایی و تفاهم‌انگیزی کدهای موثری بودند که به ثبات یک زندگی زناشویی موفق کمک می‌کردند و این نتیجه با

تحقیقات دالگلیش، جانسون، بورگس ماسر^۱ و همکاران (۲۰۱۵)، خدابخشی کولایی، فلسفی نژاد و عموقلی میرآخوری (۱۳۹۹) و هاشمی، امان الهی، فرهادی و همکاران (۱۳۹۹) همسب بود.

در بخش دوم مصاحبه‌شوندگان نگرش خود را در مورد عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی بعد از اینکه ازدواج کرده و سپس طلاق گرفته بودند، بیان داشتند و مشخص گردید افراد درباره عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی بعد از فرایند ازدواج و طلاق، تغییر نگرش داشتند. عامل مهم به دست آمده نقش توانایی کنترل رفتار و هیجانات بر رضایت زناشویی بود، اثرات مخرب رفتارهای هیجانی در خانواده و به خصوص رابطه زوج‌ها در تحقیقات زیادی بررسی شده است و مقوله به دست آمده با این تحقیقات دامن کشان و شیخ الاسلامی (۱۳۹۸)، صابونچی، دوکانه‌ای فرد و بهبودی (۱۳۹۹) و سایمونیک^۲ (۲۰۲۱) مطابقت داشت. در تبیین این یافته می‌توان گفت سرزنش و پرخاشگری، تحقیر، توهین، تهدید زندگی مشترک را در معرض خطر قرار داده و رضایت زناشویی را به شدت کاهش می‌دهد. این مقوله با پژوهشی که نشان داد بین عدم تفاهم زوج‌ها با خشونت علیه زنان رابطه مستقیم معنادار وجود دارد (لیاقت، ۱۳۸۹) همسب بود. براساس تحقیقات خشونت و تعارض شدید با همسر و خانواده همسر (مشخصاً درگیری فیزیکی) از عواملی بود که سبب اقدام عملی متقاضیان طلاق برای پایان دادن به رابطه زناشویی بود (زارع و صفیاری، ۱۳۹۴). همچنین تعصب و نگرش بیش از حد بدبینانه بر روابط عاطفی تأثیر منفی داشت (گرین، دیویس، لاجز^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). از طرف دیگر با آموزش و بهبود کنترل رفتار در خانواده، بهبود رضایت زناشویی در زوج‌ها حاصل شد (جاویدی، ۱۳۹۲). بنابراین کنترل رفتار و هیجانات در زندگی مشترک از عوامل مؤثر در رضایت زناشویی است.

1. Dalglish, T. L., Johnson, S. M., Burgess Moser, M., Lafontaine, M. F., Wiebe, S. A., & Tasca, G. A.
2. Simonič, B.
3. Green, J. D., Davis, J. L., Luchies, L. B., Coy, A. E., Van Tongeren, D. R., Reid, C. A., & Finkel, E. J.

یکی دیگر از مقوله‌های ذکر شده پس از تجربه طلاق در مورد رضایت زناشویی، تناسب شخصی و خانوادگی بود. این یافته با پژوهش‌های میرحسینی، نصیریان، بستامی و زمانی علویچه (۱۳۹۹)، بوتا، بویسون و وترز^۱ (۲۰۱۸) و کیانی، نوابی نژاد، احمدی نوده و تقوایی (۱۴۰۰) همسو بود. همان طور که نتایج پژوهش نیکخواه، فانی و اصغرپور (۱۳۹۷) نشان داد بین تناسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی، دینداری، هزینه فرصت و کلیشه‌های نقش جنسیتی با نوع نگرش به ازدواج، رابطه وجود دارد. بیشترین میزان اثرگذاری در نگرش سنتی به ازدواج مربوط به متغیر دینداری و برای نگرش مدرن به ازدواج، مربوط به هزینه فرصت بوده است. عدم تناسب فرهنگی و عدم تناسب اعتقادی در بین خانواده‌های همسران موضوعی است که منبع انواع اختلافات و سوء تفاهم‌ها می‌شود (آلندورف و تورنتون^۲، ۲۰۱۵؛ ویلوبی، یورگاسون، جیمز^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). علاوه بر آن تناسب در ازدواج باید در مسائل خانوادگی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. بر اساس نتیجه به دست آمده و نگرش شرکت‌کنندگان، عوامل اقتصادی اجتماعی بر رضایت زناشویی تأثیرگذار بود، همچنین شباهت شخصیتی و تناسب زن و شوهر در زندگی مشترک حائز اهمیت فراوان بود که با نتیجه تحقیقات لندبرگ، پولاک و استارنز^۴ (۲۰۱۶) و وانگ، کیم و بوئر^۵ (۲۰۱۸) همسو بود. مقوله دیگر مدیریت روابط و مسئولیت پذیری بود. ویژگی‌های سازگاری و مسئولیت‌پذیری رابطه‌ی مثبت معناداری با تعهد زناشویی داشت و بین مهارت مدیریت، حل مسئله و رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود داشت (بلانگر، سابورین و ال-بالبکی^۵، ۲۰۱۲).

در جمع‌بندی پایانی با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان گفت عامل اصلی در ازدواج ناموفق سطحی‌نگری و از عوامل اصلی مؤثر در رضایت زناشویی کنترل رفتار و هیجانات بود. تفاوت نگرش مصاحبه‌شوندگان در پیش از ازدواج و پس از آن به رضایت

1. Botha, F., Booysen, F., & Wouters, E.
2. Allendorf, K., & Thornton, A.
3. Willoughby, B. J., Yorgason, J., James, S., & Kramer Holmes, E.
4. Lundberg, S., Pollak, R. A., & Stearns, J.
5. Belanger, C., Sabourin, S., & El-Baalbaki, G.

زناشویی حاکی از آن بود که برخلاف عوامل تقریباً ثابت اجتماعی- اقتصادی، فرهنگی؛ انتظارات و نگرش‌ها متغیر بوده و با در نظر گرفتن شرایط زندگی و کسب تجربه، انتظارات و خواسته‌ها تغییر می‌کند. این تغییر نگرش نشان می‌دهد انتخاب همسر بر اساس ایده‌آل‌گرایی و تفکر آرمانی و سطحی نگری پیش از ازدواج، در رضایت زناشویی نه تنها نقش چندانی نخواهد داشت، بلکه می‌تواند مخرب نیز باشد.

در این راستا، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی بر اساس مقوله‌های استخراج شده در این پژوهش، پرسشنامه‌ای طراحی و هنجاریابی شود که به ارزیابی نگرش‌های غیرمنطقی و منطقی افراد به ازدواج بپردازد؛ این پرسشنامه می‌تواند در مشاوره‌های پیش از ازدواج نیز مورد استفاده قرار گیرد. در این پژوهش، علت طلاق افراد، ویژگی‌های خانوادگی و وضعیت اقتصادی افراد مورد کنترل قرار نگرفته بود که این عوامل ممکن است بر نگرش افراد به رابطه زناشویی تأثیرگذار باشد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی این موارد را در نظر بگیرند و همچنین به بررسی نگرش مردان به رابطه زناشویی بپردازند، زیرا جنسیت ممکن است در نگرش افراد تأثیرگذار باشد.

تشکر و قدردانی: بدین وسیله پژوهشگران از کلیه کسانی که در انجام پژوهش مشارکت و همکاری داشتند، تقدیر و تشکر می‌نمایند.

منابع

- آقامحمدی، س؛ خانزاده، م؛ شهرام فر، ا؛ بیدقی، ف. (۱۳۹۷). ارتباط بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و انتظارات واقع‌گرایانه از ازدواج. *تازه‌های روان‌شناسی*. ۳، ۱-۷.
- بهشتیان، م. (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری و دموگرافیک) زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های آنها در ازدواج اول. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*. ۷(۲)، ۱-۱۷.
- بیابانگرد، ا. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی (جلد اول) چاپ دوم، تهران: نشر دوران.
- جاویدی، ن. (۱۳۹۲). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر بهبود رضایت زناشویی زوج‌ها و کنترل رفتار خانواده. *مشاوره کاربردی*. ۳(۲)، ۶۵-۷۸.
- خدابخشی کولایی، ا؛ فلسفی نژاد، م؛ عموقلی میرآخوری، ز. (۱۳۹۹). ازدواج و انتخاب همسر در دختران کم بینا و نابینا: یک مطالعه پدیدارشناسی. *نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری*. ۶(۳)، ۵۰-۵۸.

- دامن‌کشان، ا؛ شیخ‌الاسلامی، ر. (۱۳۹۸). تنظیم هیجان و رضایت زناشویی: نقش واسطه‌ای نشخوار خشم. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه ۱۰(۳۸)، ۱-۱۸.
- دلاور، ع؛ غلامزاده جفره، م؛ فرح‌بخش، ک. (۱۳۹۶). بررسی اهداف ازدواج افراد متأهل راضی و ناراضی (یک مطالعه ی کیفی). فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره ۱۶(۶۱)، ۱۱۲-۱۳۴.
- روشنی، ش؛ غروی نائینی، ن؛ باستانی، س. (۱۳۹۴). تجربه‌ی احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی: مطالعه‌ای کیفی با رویکرد نظریه‌ی مبنایی. مطالعات زن و خانواده ۳(۲)، ۶۱-۸۹.
- زارع، ب؛ صفیاری جعفرآباد، ه. (۱۳۹۴). مطالعه‌ی رابطه‌ی عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان و مردان متأهل شهر تهران. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان ۱۱۳(۱)، ۱۱۱-۱۴۰.
- شهوولی، ک؛ رضایی‌فر، س. (۱۳۹۰). بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده‌های شهرستان ایذه. جامعه‌پژوهی فرهنگی ۱۱۳(۱)، ۱۳۸-۱۱۳.
- صابونچی، ف؛ دوکانه‌ای فرد، ف؛ بهبودی، م. (۱۳۹۹). الگوی ساختاری پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری زندگی در زنان متأهل: با نقش واسطه‌ای هیجان خواهی. خانواده درمانی کاربردی ۱۰(۳)، ۱۰۲-۱۲۰.
- عطارضایی، ف؛ گرجی، ی. (۱۳۹۸). درمان افسردگی زنان مطلقه شاهین شهر با استفاده از الگوی نگارش بیانگر. پنجمین همایش بین‌المللی مدیریت، روان‌شناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار. تهران.
- فرحبخش، ک؛ خاکی، ا؛ معتمدی، ع. (۱۳۹۶). اثربخشی مدل بوم‌شناختی در کاهش میل به طلاق و تعارض زناشویی. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره ۱۶(۶۲)، ۱۲۶-۱۳۹.
- کاظمی، ز. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر آroman گرای توسعه‌ای بر شکاف بین نگرش‌های دختران و مادران آن‌ها نسبت به ازدواج و خانواده. خانواده‌پژوهی ۶(۳)، ۲۹۹-۳۱۲.
- کیانی، ا؛ نوبی‌نژاد، ش؛ احمدی‌نوده، خ؛ تقوایی، د. (۱۴۰۰). فراترکیب عوامل استحکام بخش و خطر‌ساز ازدواج در دهه اخیر در ایران. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره ۲۰(۷۷)، ۴-۳۷.
- کیمیایی، ع؛ صالحی‌فدردی، ج.، غفوری‌نسب، ج. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج و مهارت‌های زندگی بر ملاک‌های همسرگزینی و هوش هیجانی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره ۵(۱)، ۴۱-۵۱.
- لیاقت، غ. (۱۳۸۹). خشونت علیه زنان در خانواده تحقیقی در تهران. علوم اجتماعی ۱۲(۱)، ۱۶۳-۱۷۹.
- محسن‌زاده، ف؛ نظری، ع. م؛ عارفی، م. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل ناراضی‌ت زناشویی و اقدام به طلاق، (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). مطالعات راهبردی زنان (کتاب‌زنان) ۷(۴۲)، ۷-۴۲.
- ملتفت، ح؛ شهپری، د؛ محبی‌میمندی، م؛ و هاشمی، ف. (۱۳۹۹). پویایی طلاق در ایران با تأکید بر دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۳. خانواده‌پژوهی ۱۶(۶۴)، ۵۴۷-۵۶۸.
- موسوی، س. ف؛ دهسیری، غ. (۱۳۹۴). نقش فاصله‌ی بین انتظارات و واقعیت رابطه‌ی زناشویی در رضایت زناشویی زنان و مردان شهر تهران. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان ۱۱۳(۲)، ۹۳-۱۱۰.

- میرحسینی، ف؛ نصیریان، م؛ بستامی، ف؛ زمانی علویجه، ف. (۱۳۹۹). پیش بینی کننده‌های رضایت زناشویی در مردان و زنان متأهل. *مجله آموزش و سلامت جامعه*. ۷ (۴)، ۲۳۹-۲۴۶.
- نیکخواه، ه؛ فانی، م؛ اصغرپور، م. (۱۳۹۷). سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن. *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۲۸ (۳)، ۹۹-۱۲۲.
- نیلفروشان، پ؛ نویدیان، ع؛ عابدی، ا. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس نگرش به ازدواج. *روان‌پستاری*. ۱۱ (۱)، ۳۵-۴۷.
- هاشمی گل مهر، م؛ امان الهی، ع؛ فرهادی، ح؛ اصلانی، خ؛ رجبی، غ. (۱۳۹۹). آرایه الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*. ۱۹ (۷۶)، ۱۴۱-۱۷۱.
- واعظی، ک. (۱۳۹۷). راهبردهای مقابله‌ای زنان با شرایط پس از طلاق. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*. ۱۷ (۶۸)، ۱۷۲-۱۹۱.

- Abreu-Afonso, J., Ramos, M. M., Queiroz-Garcia, I., & Leal, I. (2021). How Couple's Relationship Lasts Over Time? A Model for Marital Satisfaction. *Psychological Reports*, 00332941211000651.
- Allendorf, K., & Thornton, A. (2015). Caste and choice: The influence of developmental idealism on marriage behavior. *American Journal of Sociology*, 121(1), 243-287.
- Anderson, L. R. (2016). FP-16-14 High School Seniors' Expectations to Marry.
- Arocho, R. (2019). Do expectations of divorce predict union formation in the transition to adulthood?. *Journal of Marriage and Family*, 81(4), 979-990.
- Arocho, R., & Kamp Dush, C. M. (2017). Like mother, like child: Offspring marital timing desires and maternal marriage timing and stability. *Journal of Family Psychology*, 31(3), 261-272. doi:10.1037/fam0000218
- Arocho, R., & Purtell, K. (2018). Will I stay married? Exploring predictors of expectations to divorce in unmarried young adults. *Emerging Adulthood*. doi:10.1177/2167696818790826
- Belanger, C., Sabourin, S., & El-Baalbaki, G. (2012). Behavioral correlates of coping strategies in close relationships. *Europe's Journal of Psychology (EJOP)*, 8(3), 449-460.
- Bertoni, A., & Bodenmann, G. (2010). Satisfied and dissatisfied couples. *European Psychologist*.
- Botha, F., Booyesen, F., & Wouters, E. (2018). Satisfaction with family life in South Africa: The role of socioeconomic status. *Journal of happiness studies*, 19(8), 2339-2372.
- Carroll, J. S., Badger, S., Willoughby, B., Nelson, L. J., Madsen, S., & Barry, C. M. (2009). Ready or not? Criteria for marriage readiness among emerging adults. *Journal of Adolescent Research*, 24, 349-375
- Çerkez, Y. (2017). The effect of attachment styles on perfectionism in romantic relationships. *Eurasia Journal of Mathematics, Science and Technology Education*, 13(10), 6923-6931.
- Cornell, M. K. B. B. (2019). *A Quantitative Study of Perceived Life Satisfaction and*

- Resilience in Divorced Women* (Doctoral dissertation, Grand Canyon University).
- Dalgleish, T. L., Johnson, S. M., Burgess Moser, M., Lafontaine, M. F., Wiebe, S. A., & Tasca, G. A. (2015). Predicting change in marital satisfaction throughout emotionally focused couple therapy. *Journal of marital and family therapy*, 41(3), 276-291.
- Gill, A., & Anitha, S. (2017). Coercion, consent and the forced marriage debate in the UK. In *Marital Rights* (pp. 133-152). Routledge
- Green, J. D., Davis, J. L., Luchies, L. B., Coy, A. E., Van Tongeren, D. R., Reid, C. A., & Finkel, E. J. (2013). Victims versus perpetrators: Affective and empathic forecasting regarding transgressions in romantic relationships. *Journal of Experimental Social Psychology*, 49(3), 329-333.
- Huston, T. L., Caughlin, J. P., Houts, R. M., Smith, S. E., & George, L. J. (2001). The connubial crucible: Newlywed years as predictors of marital delight, distress, and divorce. *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 237-252.
- Kaplan, M., & Maddux, J. E. (2002). Goals and marital satisfaction: Perceived support for personal goals and collective efficacy for collective goals. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 21(2), 157-164.
- King, M. E. (2016). Marital satisfaction. *Encyclopedia of Family Studies*, 1-2.
- Lundberg, S., Pollak, R. A., & Stearns, J. (2016). Family inequality: Diverging patterns in marriage, cohabitation, and childbearing. *Journal of Economic Perspectives*, 30(2), 79-102.
- Moss, E., & Willoughby, B. J. (2018). Associations between beliefs about marriage and life satisfaction: The moderating role of relationship status and gender. *Journal of Family Studies*, 24(3), 274-290.
- Simonič, B., & Klobučar, N. R. (2017). Experiencing positive religious coping in the process of divorce: a qualitative study. *Journal of religion and health*, 56(5), 1644-1654.
- Simonič, B. (2021). The Power of Women's Faith in Coping with Intimate Partner Violence: Systematic Literature Review. *Journal of religion and health*, 1-18.
- Stafford, L., David, P., & McPherson, S. (2014). Sanctity of marriage and marital quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 31(1), 54-70.
- Travia, B., & Webb, E. (2015). Can Real Property Law Play a Role in Addressing Housing Vulnerability: The Case of Older Women Experiencing Housing Stress and Homelessness. *Law Context: A Socio-Legal J.*, 33, 52.
- Wang, S., Kim, K., & Boerner, K. (2018). Personality similarity and marital quality among couples in later life. *Personal Relationships*, 25(4), 565-580.
- Willoughby, B. J. (2010). Marital attitude trajectories across adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 39, 1305-1317.
- Willoughby, B. J. (2014). Using marital attitudes in late adolescence to predict later union transitions. *Youth & Society*, 46(3), 425-440. doi:10.1177/0044118x12436700
- Willoughby, B. J., & Dworkin, J. D. (2009). The relationships between emerging adults' expressed desire to marry and frequency of participation in risk

behaviors. *Youth & Society*, 40, 426-450.

Willoughby, B. J., Hall, S. S., & Luczak, H. P. (2015). Marital paradigms: A conceptual framework for marital attitudes, values, and beliefs. *Journal of Family Issues*, 36(2), 188-211.

Willoughby, B. J., Yorgason, J., James, S., & Kramer Holmes, E. (2020). What Does Marriage Mean to Us? Marital Centrality among Newlywed Couples. *Journal of Family Issues*, 0192513X20949905

